



تلاش‌های جدید آمریکا برای تقویت نفوذ در آسیای مرکزی

واشنگتن به منظور گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی، شبکه‌های چندلایه‌ای از نهادها و سازمان‌های وابسته به خود ایجاد کرده که هدف آن اعمال نفوذ بر شخصیت‌هایی سیاسی کشورهای منطقه است.

واشنگتن به منظور گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی، شبکه‌های چندلایه‌ای از نهادها و سازمان‌های وابسته به خود ایجاد کرده که هدف آن اعمال نفوذ بر شخصیت‌هایی سیاسی کشورهای منطقه است.

به گزارش فارس، کارشناسان مسائل منطقه‌ای بازدید سرزده "جیمس ماتیس" رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا در 9 فوریه (20 بهمن) از دوشنبه را در راستای تلاش‌های جدید آمریکا برای تقویت حضور نظامی و امنیتی در منطقه آسیای مرکزی ارزیابی می‌کنند. رسانه‌های تاجیکستان درباره جزئیات مذاکرات ماتیس با مقامات عالی رتبه این کشور مطلبی را منتشر نکردند. اما براساس گزارش بخش مطبوعاتی ریاست جمهوری تاجیکستان، در ملاقات ماتیس با "امامعلی رحمان"، مسائل مربوط به گسترش روابط تاجیکستان با آمریکا و تحکیم امنیت منطقه‌ای، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و طرف تاجیکی بر اهمیت توسعه همکاری‌های دوشنبه - واشنگتن در تمامی زمینه‌ها و از جمله پروژه‌های اقتصادی برای تقویت ثبات و امنیت منطقه‌ای تأکید کرد.

ژنرال ماتیس نیز ضمن قدردانی از پشتیبانی دولت تاجیکستان از تلاش‌های نیروهای نظامی بین‌المللی در افغانستان، بر علاقمندی ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا برای همکاری با تاجیکستان در زمینه‌های مورد علاقه تأکید کرد.

بیش از یک ماه پیش، این مقام بلندپایه نظامی آمریکا از عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان نیز دیدار داشت که جزئیات آن فاش نشد. به اعتقاد کارشناسان سیاسی و امنیتی آسیای مرکزی، مقامات بلندپایه سیاسی و نظامی آمریکا، ظاهراً برای ریزنی پیرامون مسائل امنیتی منطقه و بخصوص بحران افغانستان، ولی در حقیقت به منظور جلب موافقت هرچه بیشتر دولت‌های آسیای مرکزی برای همکاری سیاسی، نظامی و امنیتی با واشنگتن تلاش می‌کنند.

آمریکا طی 2 سال اخیر در چهارچوب پروژه ترانزیت محموله‌های مورد نیاز نیروهای نظامی خود و ناتو از قلمرو کشورهای آسیای مرکزی به افغانستان، موفق به گسترش حضور نظامی و امنیتی خود در این منطقه شده که موجبات نگرانی رقبای ژئوپلیتیک واشنگتن در منطقه و بویژه مسکو و پکن را فراهم کرده است.

پس از برقراری مجدد روابط آمریکا با روسیه که طی یک سال اخیر از سوی کاخ سفید دنبال می‌شود، واشنگتن فرصت حضور بیشتری در فضای سیاسی آسیای مرکزی به دست آورد که برخی کارشناسان، از آن به عنوان پدیده بی سابقه "همسویی واشنگتن - مسکو" یاد می‌کنند.

از سوی دیگر تحولات سیاسی سال گذشته قرقیزستان که به سقوط دولت "قربان‌بیک باقی‌اف" انجامید و سپس درگیری‌های قومی و بی ثباتی سیاسی و امنیتی در جنوب این کشور که پخش بیانیه مشترک روسای جمهور آمریکا و روسیه "باراک اوباما" و "دیمیتری مدودوف" در رابطه با حل و فصل این مشکل را به دنبال داشت، حاکی از نزدیک شدن مواضع این 2 رقیب دیرینه در آسیای مرکزی است.

البته باید اذعان کرد که این همسویی بیشتر با اهداف سیاسی صورت گرفته و پشتیبانی تمامی نخبگان سیاسی و نظامی روسیه را به همراه نداشته است. زیرا موقعیت ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی همواره مورد توجه قدرت‌ها بوده و روسیه و چین به ویژه نسبت به مسائل نظامی و امنیتی این منطقه و اقدامات آمریکا حساسیت داشته‌اند.

اگرچه این موقعیت، فرصت مناسبی برای کشورهای آسیای مرکزی در راستای اجرای نقش موثرتری در تحولات منطقه‌ای است، ولی وابستگی‌های سیاسی، مالی، اقتصادی و نظامی این کشورها به قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، فساد سیاسی و مالی دولت‌مردان و نخبگان، مانع اجرای نقش مستقل و موثر این کشورها در تحولات و معادلات منطقه شده است.

برخی از کارشناسان مسائل سیاسی و امنیتی منطقه، سفر ماتیس به تاجیکستان را به طور مستقیم با اهداف ژئوپلیتیکی واشنگتن مرتبط دانسته و بطور خاص به موضوع تقویت حضور امنیتی و نظامی آمریکا در تاجیکستان اشاره کرده‌اند.

رئیس حزب سوسیال دموکرات تاجیکستان "رحمت الله ظاهراف" با مهم دانستن اهمیت ژئوپلیتیکی فلات "مرغاب" در استان بدخشان که در دوران شوروی در اختیار نیروهای شوروی قرار داشت، تسلط بر این منطقه را سبب نظارت بر کل جهان عنوان کرد.

به اعتقاد وی تاجیکستان در چهارچوب استراتژی سیاست خارجی "درهای باز" با همه طرف‌های خارجی ارتباط و همکاری خواهد داشت و البته روسیه به عنوان شریک استراتژیک تاجیکستان در اولویت قرار دارد.

اگرچه عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی و همچنین کارشناسان تاجیک معتقدند که روابط نزدیک با طرف‌های مختلف خارجی و بخصوص قدرت‌های رقیب، برای دوشنبه این فرصت را فراهم خواهد کرد تا در وابستگی کامل به یکی از محورهای خارجی قرار نگیرد، ولی تحولات سیاسی و امنیتی اخیر منطقه و برخورد منافع قدرت‌ها، تحقق این استراتژی را با مشکلاتی روبرو خواهد کرد که نیازمند اقدامات حساب‌شده ملی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی توسط تاجیکستان است.

آمریکا بیش از یک سال است که سالانه ریزنی‌های 2 جانبه‌ای در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، نظامی، تجاری، حقوق بشر و اصلاحات دمکراتیک با کشورهای آسیای مرکزی داشته، ولی آنچه به عنوان برگ برنده در دست واشنگتن است، نگرانی این کشورها از تأثیر بحران افغانستان بر ثبات و امنیت آنها بوده که سبب شده آمریکا اقدامات خود را در این منطقه به‌طور جدی‌تر دنبال کند.

همچنین بلیک، معاون آسیای جنوبی و مرکزی وزیر امور خارجه آمریکا، اخیراً طی سخنانی در موسسه سیاست دولتی وابسته به دانشگاه "هیوستن" اعلام کرده بود: واشنگتن، کشورهای شوروی سابق و مناطق پیرامونی را فضای منافع نظامی خود می‌شناسد. وی همچنین بر ادامه مذاکرات میان واشنگتن و کابل برای حضور بلند مدت پایگاه‌های نظامی آمریکا در افغانستان تأکید کرد. این رویکرد واشنگتن نشانگر این سیاست است که نه تنها آمریکا به دنبال خروج از افغانستان نیست، بلکه برخی از کارشناسان حتی این موضوع را که آمریکا در پی ایجاد پایگاه‌های جدید در آسیای مرکزی است را نیز بعید نمی‌دانند.

تحركات اخیر گروه‌های تروریستی در شرق تاجیکستان، در وادی فرغانه که بخش قابل توجهی از قلمرو ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان را فرا گرفته، تمایل این کشورها را برای همکاری نظامی با واشنگتن تقویت کرده است.

مقامات واشنگتن نیز مدعی شده‌اند که حضور نظامی آمریکا در منطقه، نه تنها موجب کاهش میزان آسیب‌پذیری این کشورها در برابر گروه‌های تروریستی و افراط‌گرا خواهد شد، بلکه معتقدند که زمینه مناسبی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی آنان فراهم خواهد شد. اما باید در نظر داشت که کمک‌های کاخ سفید به کشورهای منطقه کاملاً حساب شده بود و فاقد ماندگاری است. به عبارت دیگر این کمک‌ها در قالب سرمایه‌گذاری نیستند و در اصل واشنگتن در عرصه‌های اقتصادی و زیربنایی آسیای مرکزی، حضور حداقلی دارد به گونه‌ای که نمی‌توان چند واحد مهم اقتصادی یا صنعتی را که با حمایت مالی یا سرمایه‌گذاری آمریکا ایجاد شده باشد، نام برد.

از سخنرانی بلیک این چنین برمی‌آید که آمریکا به تقویت حضور نظامی خود در آسیای مرکزی بسیار خوشبین است و با نگاه به تحركات سیاسی اخیر در منطقه، این واقعیت دیده می‌شود که ازبکستان بیش از پیش برای همکاری بیشتر با آمریکا و ناتو اظهار تمایل می‌کند. در حال حاضر نیز ناتو از فرودگاه "نواپی" و همچنین زیرساخت‌های حمل و نقل ریلی این کشور برای ترانزیت تدارکات خود به افغانستان استفاده می‌کند. ترکمنستان، قزاقستان و تاجیکستان نیز با واشنگتن و بروکسل (اتحادیه اروپا و ناتو) همکاری‌های مشابهی دارند.

رسانه‌های غربی و همچنین رسانه‌های روسی همسو با آمریکا، نسبت به احتمال تشدید اوضاع سیاسی و امنیتی در بهار آینده در آسیای مرکزی و به‌ویژه شرق تاجیکستان و وادی فرغانه هشدار می‌دهند. این امر سبب شده که کشورهای منطقه علاوه بر همکاری‌های بیشتر نظامی و امنیتی با روسیه، به همکاری با آمریکا و ناتو برای جلوگیری از افزایش نقش و تاثیر گروه‌های تروریستی متقاعد شوند. البته این همکاری در حال حاضر به‌صورت حضور مستقیم نظامی نیست ولی در صورت ادامه این روند، چنین امری بعید نخواهد بود. آمریکا در حال حاضر در چهارچوب حضور نظامی خود در افغانستان و منطقه با کشورهای آسیای مرکزی درباره مسائل امنیتی و به‌خصوص تردد گروه‌های تروریستی در سطح منطقه تبادل اطلاعات می‌کند.

تحکیم حضور سیاسی، نظامی و امنیتی آمریکا در منطقه این امکان را برای واشنگتن فراهم خواهد کرد تا در زمینه استخراج و تعیین مسیر ترانزیت انرژی منطقه نقش جدی‌تری ایفا کند و مهمترین طرح آمریکا، اجرای پروژه‌های انتقال انرژی جدیدی در منطقه است که قلمرو روسیه را دور بزند.

جالب است که آمریکا در استراتژی ملی نظامی خود، روسیه را در زمینه‌های امنیتی منطقه شریک و چین را رقیب معرفی می‌کند امری که می‌تواند موجب استقبال بیشتر کشورهای آسیای مرکزی از تعمیق روابط نظامی و امنیتی با واشنگتن شود.

چنین بنظر می‌رسد که چنانچه روسیه با سیاست‌های امنیتی آمریکا در منطقه همسو شود، زبان خواهد کرد و در بلند مدت، نقش و جایگاه سنتی خود را در آسیای مرکزی از دست خواهد داد. به‌خصوص آنکه آمریکا بیشتر برنامه‌های خود را برای تاثیرگذاری بر سیاست داخلی و خارجی کشورهای آسیای مرکزی با استفاده از ابزارهایی اجرا می‌کند که در اختیار روسیه قرار ندارند.

به این منظور واشنگتن در منطقه شبکه‌های چندسطحی و چندلایه‌ای نهادها و سازمان‌های وابسته را ایجاد کرده است که در اصل از یک مرکز واحد مدیریت می‌شوند. آنچه به اصطلاح در سطح و لایه اول مشاهده می‌شود، حضور نهادهای دولتی و غیردولتی آمریکاست که مهمترین هدف آنان اعمال نفوذ در مراکز و بر روی شخصیت‌هایی است که استراتژی سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورهای خود را تدوین می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های دولت‌های متبوع خود نیز سهمیم هستند. این نهادهای آمریکایی یا بطور مستقیم زیر نظر سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا قرار دارند و یا اقدامات خود را با این سازمان‌ها به‌صورت هماهنگ انجام می‌دهند.

هرچند واشنگتن مدعی است که سازمان‌های غیردولتی و خصوصی آمریکایی کاملاً مستقل بوده و به دولت این کشور وابستگی ندارند، ولی در اصل همه نهادهای رسمی و غیردولتی آمریکایی در منطقه، به‌صورت بسیار هماهنگ اقدام کرده و بدنبال گسترش نقش و نفوذ کاخ سفید در تمامی زمینه‌های سیاسی و امنیتی در منطقه هستند.

آمریکا به‌منظور ایجاد هماهنگی در فعالیت نهادهای دولتی و غیردولتی خود در خارج، گروهی متشکل از نمایندگان نهادهای اطلاعاتی و جاسوسی خود را ایجاد کرده است. در این تقسیم‌بندی، منطقه آسیای مرکزی متعلق به بخش "مطالعات روسیه اوراسیا" (National Intelligence Office for Russia and Eurasia) در شورای ملی اطلاعات (NIC) است.

وظیفه این شورا، تهیه اسناد مطالعاتی، پیش‌بینی‌های راهبردی و تدوین سناریوهای آتی برای مناطق مختلف جهان بوده و هماهنگ‌کننده سازمان‌های اطلاعاتی، مراکز پژوهشی و سازمان‌های غیردولتی آمریکا در منطقه است.

در مقابل روسیه که از مهمترین رقبای آمریکا در فضای شوروی سابق و به‌خصوص آسیای مرکزی شناخته می‌شود، چنین شبکه‌های گسترده سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی را در اختیار ندارد.

اگرچه نقش تعیین کننده مسکو در سازمان‌های موجود در شوروی سابق و به‌ویژه سازمان پیمان امنیت جمعی، به حفظ جایگاه این کشور در آسیای مرکزی کمک می‌کند، اما مسکو بعد از یک تا 2 دهه، به دلیل حاکمیت نسل جدید نخبگان سیاسی در منطقه، با چالش جدی مواجه خواهد شد.

آمریکا علاوه بر فعالیت در پوشش نهادهایی نظیر بنیاد کارنگی، بنیاد اوراسیا، موسسه ملی دموکراتیک، سازمان فریدام هاوس، امنیتی اینترنشنال، هیومن رایتس و تچ و... و حتی با جلب همکاری برخی از نهادهای دولتی، شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای شوروی سابق و از جمله آسیای مرکزی در صدد تحقق استراتژی تاملین وابستگی مستقیم این کشورها به خود است. در میان کشورهای آسیای مرکزی، کارشناسان زبده‌ای که اشراف کاملی بر شرایط داخلی کشورهای خود دارند، از نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی، دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی، به همکاری با سازمان‌های مختلف آمریکایی دعوت می‌شوند.

در قرقیزستان، گروه‌ها، احزاب و سازمان‌های غیردولتی و اجتماعی و سایر نهادهای باصطلاح جامعه مدنی، به دلیل فضای باز سیاسی، ارتباط خود با واشنگتن را پنهان نمی‌کنند و حتی گاهی این امر را به عنوان یکی از امتیازات خود مطرح می‌کنند. ولی در سایر کشورهای منطقه، به دلیل حساسیت دولت‌ها به هر نوع وابستگی ساختارهای جامعه مدنی به خارج، این‌گونه نهادها از نشان دادن تعلق خود به غرب و به‌خصوص آمریکا خودداری می‌کنند.

اطلاعات منتشر شده از سوی رسانه‌های منطقه حاکی از آن است که طی سال‌های بعد از فروپاشی و کسب استقلال کشورهای آسیای مرکزی، نهادهای مختلف آمریکایی و از جمله بنیاد کارنگی (Carnegie Endowment) و بنیاد مک آرتور (MacArthur Foundation)، کمک‌های مالی بلاعوض در اختیار محققان مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی منطقه، قرار داده‌اند تا از ایده‌ها و نظرات آنان در جهت ارزیابی تحولات آسیای مرکزی و تعیین رویکردهای فعلی و آتی واشنگتن نسبت به منطقه استفاده کنند و این روند هم اکنون نیز ادامه دارد.

امروز نمایندگان نهادهای اطلاعاتی و نظامی آمریکا بصورت مستقیم و یا در چهارچوب برنامه‌های 2 جانبه با ناتو، برای نهادهای مختلف کشورهای منطقه و بویژه نمایندگان وزارتخانه‌های دفاع، کشور، امنیت ملی، گارد ملی و... در قلمرو کشورهای آسیای مرکزی، دوره‌های متنوع آموزشی برگزار می‌کنند. هزینه‌های این برنامه‌ها به‌صورت کامل از طرف آمریکا پرداخت شده و ضمن معرفی شیوه‌های باصطلاح جدید و مدرن مبارزه با چالش‌های قرن معاصر، ماموران آمریکایی ارزش‌های لیبرال دموکراسی غربی را برای نمایندگان نهادهای امنیتی، نظامی و انتظامی کشورهای منطقه معرفی کرده و چهره جدیدی از کشورهای رقیب غرب، بخصوص جمهوری اسلامی ایران برای تاثیرگذاری بر آنان ارائه می‌دهند. این در حالی است که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و کشورهای غربی با گروه‌های تروریستی و افراطی مذهبی در منطقه مرتبط بوده و از آنان برای ایجاد وابستگی نظامی و امنیتی کشورهای منطقه به خود، بهره برداری می‌کنند.

بنظر می‌رسد که عدم اعتماد نخبگان سیاسی کشورهای آسیای مرکزی به یکدیگر و بی توجهی به نیازهای واقعی و خواسته‌های مردم، این منطقه را که دارای موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و همچنین ذخایر غنی طبیعی و به‌خصوص انرژی است، را در شرایط وابستگی به قدرت‌ها و به‌خصوص آمریکا قرار داده و این وابستگی هیچ پیامد مثبتی برای کشورهای منطقه نخواهد داشت.